

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۹۰۱ | جمعه ۳۱ مرداد ۱۴۰۴ - ۲۲ آگوست ۲۰۲۵

تأمین حقوق ملی خلق کورد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کارزار به «صفر» رساندن فروش نفت ایران

با بی‌نتیجه ماندن تلاش دولت‌های غربی و میانجی‌ها برای کشاندن جمهوری اسلامی به پشت میز مذاکره اتمی و موشکی، فشار دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی در آستانه فعال شدن احتمالی «مکانیسم ماشه» شدیدتر شده است.

یک هفته پس از آنکه وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که «دولت ترامپ مصمم است که صادرات نفت ایران به چین را به صفر برساند»، وزارت خزانه‌داری آمریکا ۱۳ شرکت کشتیرانی و هشت نفتکش مرتبط با جمهوری اسلامی را تحریم کرد؛ اقدامی که در ادامه‌ی سیاست مقابله با تلاش تهران برای دور زدن تحریم‌های واشنگتن صورت گرفته است. آمریکا ۱۶ امرداد نیز تحریم‌هایی را علیه ۱۸ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی به دلیل ایفای نقش محوری در تلاش‌های حکومت ایران برای کسب درآمد و دور زدن تحریم‌های واشنگتن اعمال کرده بود. همچنین هشتم مرداد نیز از تحریم حسین شمخانی، فرزند علی شمخانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای و بخشی از «امپراتوری عظیم کشتیرانی» وابسته به او خبر داده بود.

کمیته مرکزی حزب دمکرات:

امیدوار به همبستگی نیروهای آزادیخواه کوردستان و ایران و خوشبین به روند تحولات جاری افقهای پیشروی آینده‌یمان را روشن می‌بینیم



بیاننامه کمیته مرکزی حزب دمکرات:

سر تعظیم فرود می‌آوریم و موظف و مکلف هستیم این اعتماد و مهرورزی را تقویت کنیم.

« صفحه ۳

خطیری را در آغازین دهه تازه مبارزه، آن هم در شرایط ویژه امروز منطقه و ایران را بر دوش آنان می‌گذارد. به مانند رهبری کنونی حزب دمکرات کوردستان ایران، در مقابل این اعتماد مردم کوردستان

نازادی" در نوروز ملیونی پر شکوه امسال خود را نمایان ساخته است. این اعتماد عظیم مردم کوردستان به حزب خودشان، اگر از سویی برای فرزندان این حزب جای افتخار است، از سویی دیگر وظیفه و مسئولیت

ایران به یک جنبش ملی و آزادیخواه عمومی و سراسری تبدیل شده است. این نیز واقعیتی می‌باشد که طی سال‌های گذشته در بیشتر اوقات و به شیوه‌های مختلف، برای نمونه در جریان جنبش "ژن، ژیان، نمونه

حزب دمکرات کوردستان ایران سالیان مدیدی است که از یک سازمان سیاسی مختص به چند قشر و بخشی از مردم، یا مختص به بخشی از کوردستان ایران خارج شده است و در سطح کوردستان

حزب دمکرات برخاسته از

مردم و برای مردم است

مصاحبه: شهرام سبحانی

۷

هشتاد سال مبارزه

برای آزادی

رضا دانشجو

۵

هشتاد سال پایداری و

مبارزه حزب دمکرات

هزار کرمانشاهی

۴

بیانیه‌ی حزب دمکرات

کوردستان ایران به مناسبت

سالروز تاسیس حزب

۳

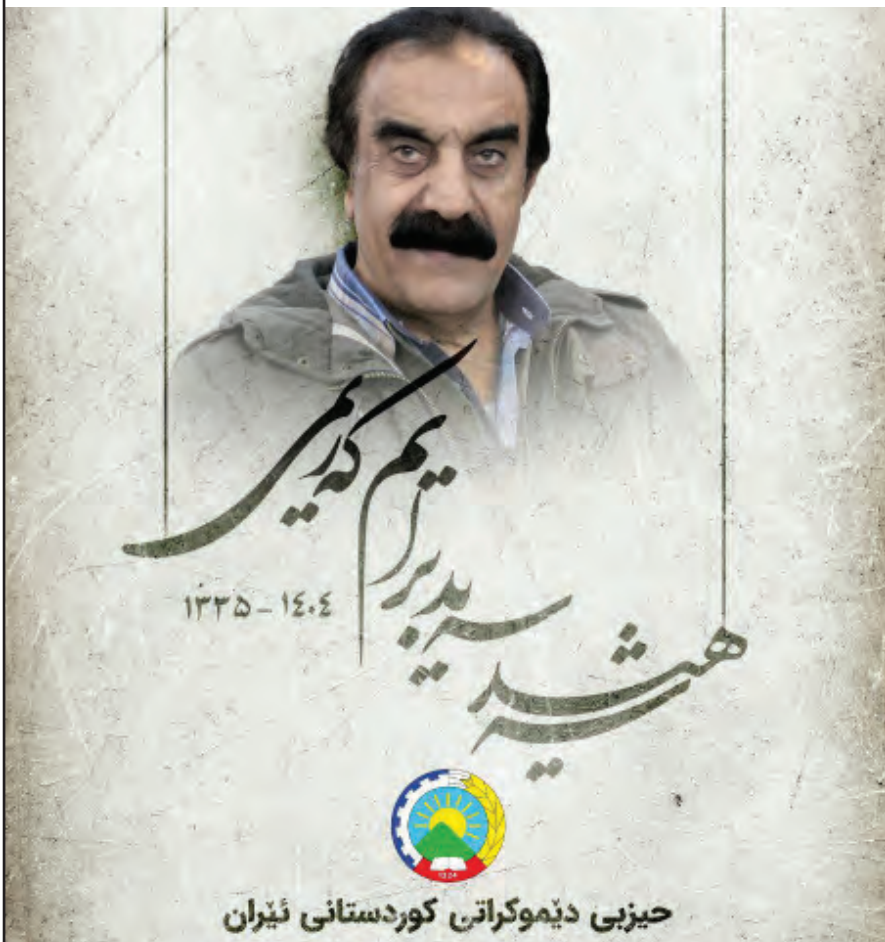
برگزاری پنجمین پلنوم

کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات

کوردستان ایران

۲

اطلاعیه هیأت اجرایی حزب در خصوص مرگ نابهنگام کاک سید ابراهیم کریمی



سال فعالیت پیشمرگی خود، نزدیک به ۲۴ سال عضو کمیته‌ی مرکزی و رهبری حزب دمکرات کوردستان ایران بود و در مقاطع سخت دفاع پیشمرگانه نیز در اکثر درگیریهای نظامی منطقه‌ی مهاباد بویژه منطقه‌ی شهرویان، جاده‌ی اصلی مهاباد - ارومیه، مناطق محال، میرقاز، گورک، منگور، دره‌ی شیخان، قلات‌شاه، سی‌سنگ در مهاباد و نیز مناطق بسیاری در پیرانشهر و بوکان شرکت داشت و دهها حماسه و دلآوری را به نام خود برای حزب خویش به ثبت رساند. همچنین در یورش موشکی سپاه پاسداران به مراکز و قرارگاههای حزب در روز ششم مهرماه ۱۴۰۱ هم‌رمز و همسر کاک سیر ابراهیم، خانم هاجر زرگه به شهادت رسید.

حزب دمکرات کوردستان ایران مرگ نابهنگام کاک سید ابراهیم کریمی، کادر با تجربه و شایسته دهها ساله‌ی خود را خسران بزرگی برای حزب و جنبش کورد در کوردستان ایران می‌داند. به همین دلیل همراه با ابراز تأسف و تأثر خود، به بازماندگان و همسران کاک سید ابراهیم و همه‌ی مردم کوردستان تسلیت می‌گوید. هم‌زمان اعلام می‌دارد که تمامی فداکاریها و سپری کردن حدود نیم سده از حیات کاک سید ابراهیم در سنگر مبارزه‌ی ملی، تنها با تداوم بخشین به راهش و در اهتزاز نگه‌داشتن پرچم مبارزاتی‌اش پاداش داده می‌شود. در همین مناسبت نیز مبارزان دمکرات یکبار دیگر با روان پاک کاک سید ابراهیم و کلیه‌ی شهدای تجدید عهد می‌نمایند که تا رسیدن به پیروزی ادامه دهنده‌ی مشی آنها بوده و در این راه از هیچگونه فداکاری‌ای دریغ نورزند.

حزب دمکرات کوردستان ایران
هیأت اجرایی
۲۷ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی

با نهایت تأسف و تأثر اعلام می‌داریم که کاک سید ابراهیم کریمی، مبارز دیرین و کادر باسابقه‌ی رهبری حزبمان بعد از ظهر روز دوشنبه، ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی بدلیل ایست قلبی دار فانی را وداع گفت و به کاروان شهدای حزب مبارزمان، حزب دمکرات کوردستان ایران پیوست.

سید ابراهیم کریمی، فرزند سید قادر، سال ۱۳۳۵ خورشیدی در روستای قزلقویی منطقه‌ی شهرویان مهاباد دیده بر جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌ی خود را در شهر مهاباد سپری کرد و سپس جهت ادامه‌ی تحصیلات به شهر ارومیه رفت و سال ۱۳۵۴ خورشیدی دیپلم خود را در این شهر کسب کرد. پس از گذراندن این مرحله از تحصیلات در جریان خدمت اجباری سربازی جهت سپری کردن دوره‌ی آموزشی "سپاه ترویج و آبادانی" به شهر کرج اعزام شد و پس از گذراندن یک دوره‌ی شش ماهه به شهر مهاباد بازگشت و به مدت دو سال در روستای "گولی، چوملان و آلبلاغ" به مردم این روستاها خدمت کرد. کاک سید ابراهیم سال ۱۳۵۷ خورشیدی به عضویت حزب درآمد و تا آخرین نفسهای زندگی خود در سنگر حزب دمکرات از ارزشهای انقلابی و ملی جنبش سیاسی کورد در کوردستان ایران دفاع کرد. کاک سید قادر، پدر سید ابراهیم نیز که از جمله اعضای دیرین حزب دمکرات بود، سال ۱۳۶۸ به علت شکنجه‌های سنگین جلاخان رژیم جمهوری اسلامی در یکی از بیمارستانهای شهر تبریز جان باخت. مسئولت منطقه‌ی شهرویان، مسئولیت کمیته‌ی شهرستان مهاباد، مسئولیت کمیته‌ی امنیت و معاونت کمیسیون تشکیلات بخشی از مسئولیتهای کاک سید ابراهیم در مقاطع مختلف فعالیت و مبارزه‌ی وی بود. کاک سید ابراهیم در مدت بیش از ۴۷

اطلاعیه به مناسبت برگزاری پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران



کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران در روزهای شنبه و یکشنبه، ۲۵ و ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی پلنوم پنجم خود را برگزار کرد. پلنوم پنجم کمیته‌ی مرکزی منتخب کنگره‌ی وحدت مجدد دمکراتها که با شرکت اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته‌ی مرکزی برگزار شد، اوضاع فعلی ایران و سناریوها و احتمالات موجود در برابر جمهوری اسلامی، وضعیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی و فرصتها و تهدیدات موجود برسر راه جنبش کورد و نیز چند موضوع درون تشکیلاتی حزب را مورد بحث و بررسی قرارداد و تصمیمات لازم را در خصوص مجموعه‌ای از وظایف و پروژه‌های حزبی اتخاذ نمود.

پلنوم پنجم کمیته مرکزی با یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای کوردستان کار خود را آغاز کرد. در بخش نخست کار پلنوم آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران تحلیل سیاسی همه جانبه‌ای در مورد اوضاع کلی ایران پس از جنگ دوازده روزه با اسرائیل و موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی فعلی ایران و کوردستان ارائه داد و شرکت کنندگان در پلنوم نیز با طرح نقطه نظرات خویش تحلیل دبیرکل حزب را غنا بخشیدند.

پلنوم کمیته‌ی مرکزی بر این باور بود که پس از رویدادهای هفت اکتبر ۲۰۲۳، بلندپروازیهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی به شکست انجامیده و شکست نظامی حماس و حزب‌الله و تغییر رژیم سیاسی در سوریه و تضعیف دیگر میلیشیاهای نیابتی جمهوری اسلامی به‌عنوان عمق استراتژیک ایران، جایگاه رژیم را در معادلات منطقه‌ای به انحطاط کشانده و شکست نظامی و امنیتی در جنگ ۱۲ روز با اسرائیل نیز این رژیم را بیش از هر زمانی به ورطه‌ی سقوط و نابودی سوق داده است. پلنوم در این بخش از تحلیل خود به این موضوع پرداخت که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای صدور انقلاب در راستای تشکیل یک امپراطوری شیعه‌ی سیاسی به رهبری ولی فقیه پی‌ریزی شده است؛ بیش از چند تریلیون دلار از ثروت و سامان کشور را به جای هزینه کردن در بخشهای تولیدی، آموزش و پرورش، بهداشت و رشد و توسعه‌ی کشور در راستای دخالت در امور داخلی کشورهای خاورمیانه، دستیابی به بمب اتمی و توسعه‌ی پروژه‌های موشکی و تجهیز نیروهای نیابتی در منطقه به هدر داد و همین امر نیز منشاء تمامی مشکلات و بحرانهای اقتصادی و سیاسی امروز جامعه‌ی ایران است.

پلنوم کمیته‌ی مرکزی در این بخش از تحلیلهای خود معتقد بود که جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای خویش در معادلات منطقه‌ای و جهانی بدون هم‌پیمان و تنها‌تر و به حاشیه رانده‌شده‌تر از هر زمانی شده است. در جنوب، توسعه‌ی پیمان صلح ابراهیم میان کشورهای منطقه با آمریکا و اسرائیل اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی را ناکام گذارده و در شمال ایران نیز قرارداد زنگرور علاوه بر محروم کردن ایران از درآمد میلیارد دلاری ترانزیت کالا، موجب آن گشته که جایگاه استراتژیک و ژئوپولیتیکی ایران به مراتب ضعیف‌تر شود و آن آمریکایی که به قول خمینی قرار بود برابر ایران کاری صورت دهد، غیر از میداننداری هواپیمای B۲هایش در آسمان ایران در همسایگی خاک این کشور نیز قرارگیرد. این امر نیز علاوه بر آنکه در داخل کشور انباشته شدن بحرانهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی‌ها، نقض حقوق خلقها و تنوعات ملی و دینی و مذهبی و فساد سیستماتیک حکومتی را افزایش داده، عرصه‌ی مبارزه و رویارویی مردم علیه جمهوری اسلمای را گسترده‌تر از هر زمانی کرده است.

پلنوم کمیته‌ی مرکزی در جمع‌بندی این بخش از مباحث خود بر این باور بود که مجموع فشارها و بحرانها در داخل کشور و رویارویی با آمریکا و اسرائیل که اکنون احتمال فعال سازی مکانیزم ماشه از سوی تروئیکای اروپا نیز مطرح است، جمهوری اسلامی را در مقابل یک دوراهی سخت و سرنوشت ساز قرار داده است: مذاکره و گردن نهادن در برابر شروط آمریکا و اروپایی و تسلیم، یا مواجه شدن با جنگ دوباره‌ی با اسرائیل و دیگر هم‌پیمانانش و بازگشت کلیه‌ی تحریمهای شورای امنیت، آنهم در شرایط فاجعه‌بار اقتصادی فعلی کشور!

پلنوم کمیته‌ی مرکزی در ادامه‌ی کار خود به بررسی مجموعه احتمالات و سناریوهایی در رابطه با آینده‌ی جمهوری اسلامی و معادلات قدرت و حاکمیت در ایران پرداخت و معتقد بود که جنبش کورد و بویژه حزب دمکرات باید خود را برای هر سناریوی پیش‌بینی شده‌ای آماده کند و پیش‌شرط کسب هر دستاورد سیاسی بسود مبارزه‌ی ملی کورد در ایران و دور ساختن تهدیدات و مخاطرات از مسأله‌ی کورد، وحدت درونی کورد و اتحاد و همبستگی نیروهای سیاسی کوردستان ایران است. بحث پیرامون لزوم اتحاد و هماهنگی احزاب سیاسی کوردستان ایران و همکاری عملی میان آنها در مبارزه‌ی سیاسی و ملی کورد در ایران و به موازات آن تداوم بخشیدن به ایجاد پلی جهت ارتباط و همکاری بیشتر با نیروها و جریانهای دیگر اپوزیسیون غیر کورد جمهوری اسلامی از سویی و چند و چونی تلاشها جهت توسعه بیشتر جنبش‌های ملی، مدنی و توده‌ای در کوردستان و لزوم کاراتر ساختن مکانیزمهای سازماندهی خود و اتحاد و همبستگی میان تنوعات و گوناگونی‌های جامعه‌ی کوردستان از سوی دیگر، بخشی از موضوعات و مباحثی بودند که در پلنوم کمیته‌ی مرکزی بر آنها تأکید بعمل آمده و تصمیمات لازم در خصوص آنها اتخاذ گردید. پلنوم کمیته‌ی مرکزی در تحلیل سیاسی خود همچنین با نگاهی ویژه به پیشرفتهای مسأله‌ی کورد در دیگر بخشهای کوردستان و تحولاتی که بسود مسأله‌ی کورد بوقوع پیوسته‌اند پرداخت و بر این باور بود که با اعتراف ترکیه به وجود مسأله‌ی کورد در این کشور و تلاش در راستای حل مسالمت‌آمیز این موضوع، مقاومت و پافشاری خود مدیریتی کوردها در کوردستان سوریه به حفظ و حراست از دستاوردهای مبارزه‌ی تاکنونی کورد در سوریه، ایجاد محیط و شرایط جدیدی در عراق جهت حل و فصل مشکلات و اختلافات میان بغداد و اربیل، می‌توان گفت که جنبش حق‌طلبانه‌ی کورد در کلیه‌ی بخشهای کوردستان پیشرفت مهم و ارزشمندی به خود دیده است.

بخش عمده‌ی دیگر کار پلنوم بررسی ارگانیزاسیون حزب و مباحث داخلی حزب بود که پس از استماع نقطه نظرات شرکت کنندگان، تصمیمات لازم در خصوص آنها اتخاذ شد.

پنجمین پلنوم کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران پس از دو روز کار بی‌وقفه و پربار با موفقیت به وظایف خود پایان داد.

حزب دمکرات کوردستان ایران
کمیته مرکزی
۲۶ مرداد ۱۴۰۴

بمناسبت هشتادمین سالروز تأسیس حزب دمکرات

بیانیه

مردم دمکرات‌پرور کوردستان ایران!
فرزندان ملت کورد در کلیه بخش‌های کوردستان!
آزادبخواهان مبارز ایران!
دوستان حزب دمکرات و ملت کورد در سراسر جهان!

۲۵ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی (۱۶ اوت ۲۰۲۵)، هشتاد سال از تأسیس حزب دمکرات کوردستان می‌گذرد و این حزب به هشتاد و یکمین سال فعالیت خود پای می‌گذارد. در این مناسبت ویژه و پرشکوه به روان پاک مؤسسين حزب و درصدر همه پیشوا قاضی محمد و نیز هزاران شهید هشت دهه مبارزه‌ی حزب دمکرات و پیشاپیش کاروان آنان، رئیس جمهور کوردستان و دو دبیرکل حزب، د.قاسملو و د.شرفکندی درود می‌فرستیم.

هشتاد سال پیش، حزب ما در ادامه‌ی سه سال فعالیت مخفی جمعیت ژ-کاف (جمعیت تجدید حیات کورد) و در قواره و شاکله‌ی همان سازمان اما با یک جهانبینی نوین پایه‌گذاری شد. این حزب در نخستین سال فعالیت خود با بهره گرفتن از اوضاع داخلی و منطقه‌ای وقت، جمهوری کوردستان را تأسیس نمود. هرچند عمر این جمهوری کمتر از یک سال بود، اما دستاوردها و نیز تأثیرات آن، جنبه‌ی کوردستانی و در عین حال جاودانه‌ای را در جنبش ملت کورد بخود گرفت، بدین مفهوم که در روند تاریخ پس از جمهوری نیز تداوم داشته و رشد یافته‌اند.

فعالیت این حزب پس از جمهوری کوردستان نیز علیه دیکتاتوری رژیم پهلوی تا سرنگونی رژیم پادشاهی به شیوه‌های گوناگون ادامه داشته است. مبارزان این حزب در ردیف نامدارترین، با سابقه‌ترین و مقاوم‌ترین زندانیان سیاسی دوران حاکمیت محمدرضاشاه قرار داشتند. بزرگترین قیام مسلحانه‌ی دوران زمامداری آخرین شاه ایران، در کوردستان در سالهای ۱۳۴۶-۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۷-۱۹۶۸) بوقوع پیوست که مبارزان حزب دموکرات کوردستان آنرا به‌راه انداختند و تبعات و هزینه‌ی آن را نیز با جان خود پرداخت کردند.

مردم کوردستان با این امید فعالانه در انقلاب سراسری سال ۱۳۵۷ خلقهای ایران شرکت کردند که دمکراسی و آزادی جایگزین استبداد و دیکتاتوری شود و خلق کورد و دیگر خلقهای ایران دیگر با ستم و تبعیض ملی مواجه نباشند، اما رژیم جدید در قبال مسأله‌ی کثیرالمله بودن ایران و حقوق ملی آنها، همان سیاست رژیم پیشین، یعنی انکار این موضوع و ستم و جنگ و سرکوب را در پیش گرفت. حزب دمکرات کوردستان ایران به تمامی شیوه‌های مسالمت‌آمیز نظیر مذاکره با تهران، شرکت در انتخابات و رساندن پیامهای مردم کوردستان به شیوه‌ی مسالمت‌جویانه توسل جست، لیکن خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، علیه مردم کوردستان اعلان جنگ نمود. حزب ما و بطور کلی مردم کوردستان در رفراندوم جمهوری اسلامی شرکت نکردند و به رژیمی که حقوق اساسی آنها و مردم ایران را به‌رسمیت نشناخته بود، مشروعیت ندادند؛ حزب دمکرات فریب شعارهای ضد آمریکایی خمینی را نخورد؛ تحمیل حجاب اجباری به زنان ایران و سلب دستاوردهای پیشین آنها، حمله به سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن دیپلماتهای آن از سوی این رژیم،

سرکوب روزنامه‌ها و احزاب و سازمانهای سیاسی، به تعطیلی کشاندن دانشگاهها و به‌راه انداختن باصطلاح انقلاب فرهنگی را محکوم کرد و رأی دادن به قانون اساسی این رژیم که متحجرانه و ضد آزادی و حقوق اساسی خلقهای ایران بود را بایکوت کرد.

حزب دمکرات کوردستان ایران در مواجهه با جنگ تحمیلی رژیم اسلامی ایران بر مردم کوردستان تنها نبود، سازمانهای سیاسی دیگری نیز در کوردستان با توجه به نیرو و توان خود در این جنگ شرکت داشتند، اما سنگینی این جنگ در وهله‌ی نخست بر دوش حزب دموکرات و دهها گروه از نیروی پیشمرگ این حزب در سراسر کوردستان بود. حزب ما همزمان دو مسئولیت سنگین دیگر را نیز برعهده داشت. از سوی به مدت چند سال وظیفه‌ی اداره‌ی اکثر مناطق آزاد کوردستان را برعهده داشت که با همکاری بی دریغ مردم کوردستان و علیرغم محاصره‌ی همه‌جانبه‌ای که رژیم بر این مناطق اعمال کرده بود، در اداره‌ی آنها موفق بود. در سوی دیگر در خارج از کشور تلاشهای ارزشمندی را برای رساندن صدای مردم کوردستان به گوش افکار عمومی و جلب حمایت مجامع و محافل بشردوست و احزاب و شخصیتهای ترقیخواه کشورهای غربی بسوی مبارزه‌ی مردم کوردستان به پیش برد.

حزب دمکرات کوردستان ایران در تاریخ هشتاد ساله‌ی خود شیوه‌های مبارزاتی گوناگونی را در پیش گرفته و فراز و نشیبهای بسیاری را تجربه کرده است. چندین بار شاهد عدم موفقیت و خیزش دوباره‌ی خویش بوده‌است. سه تن از نفرات اول رهبری این حزب و دهها عضو رهبری، صدها کادر و رهبر میدانی و فرمانده‌ی شایسته، حدود پنج هزار پیشمرگ و عضو آن در سنگر دفاع ملی خلق کورد توسط رژیمهای حاکم بر ایران به شهادت رسیده‌اند. پایبندی این حزب به پرنسیپهای ملی، انقلابی، دموکراتیک و انساندوستانه و مبارزه‌ی مداوم و مملو از قربانی، این حزب را در سطح کوردستان، ایران و جهان به یک نیروی سیاسی شناخته شده و مورد احترام تبدیل ساخته است.

بدیهی است در طول تاریخ حزب ما اگر صفحات پرفروغ و دستاوردهای افتخارآمیز بسیاری به چشم می‌خورند، اما پدیده‌ها و رویدادها زیانبار و ناخواسته‌ای هم وجود داشته‌اند. به‌عنوان نمونه در برخی مقاطع حزب دمکرات برخلاف دیگر کوردستان درگیر برخورد مسلحانه شده است؛ در درون حزب نیز چندین بار انشقاق رخ داده است که در پرتو اینگونه رویدادها زیانهای بسیاری هم به حزب دموکرات و هم به جنبش انقلابی کوردستان وارد آمده که ضمن ابراز تأسف در خصوص وقوع اینگونه رخدادها و پدیده‌های ناخواسته در تاریخ حزبمان، می‌کوشیم از آنها درس گرفته و مانع تکرار آنها شویم.

واقعیتی است تلخ که پس از هشتاد سال فعالیت و قربانی دادن، علیرغم مشروع بودن آرمانها و برحق بودن مبارزه‌یمان، هنوز به هدف نهایی خود که عبارتست از رهایی ملت کورد در ایران از یوغ فرودستی و بی‌حقوقی دست نیافته‌ایم. در تمام این تاریخ هشتاد ساله، حزب ما هیچگاه از سوی رژیمهای ایران، اجازه‌ی فعالیت سیاسی قانونی نداشته است، رهبری و کادرها و اعضای این

حزب، غیر از مقاطعی چند، همواره ناچار بوده‌اند به شیوه‌ی مخفیانه در داخل شهرها و روستاهای کشور فعالیت داشته، یا در کوهها و در تبعید و به شیوه‌ی غیرمعمول، تحت آتشباری توپخانه و حمله‌ی هوایی و یورش نظامی و توطئه‌های تروریستی به فعالیت خود ادامه دهند. علیرغم تمامی ضرباتی که متحمل گشته و قربانیان فراوانی که به آن تحمیل گشته، توانسته است سرفرازانه در میدان مبارزه باقی بماند؛ از آرمانهای ملی و پرنسیپهای بنیادین خویش عدول نکرده است، استقلال تصمیم گیری خود را حفظ نموده است، در هیچ شرایطی برخلاف مصالح جنبش کورد در دیگر بخشهای کوردستان عمل نکرده و مرتکب چنان اشتباه و انحراف سیاسی نگشته که شرمنده‌ی تاریخ خود و ملتش باشد.

با افتخار اعلام می‌داریم که مردم کوردستان تحت هر شرایطی حمایت خود را از این حزب ادامه داده‌اند و اجازه نداده‌اند که راه رهبران شهید بی‌رهرو و سنگر مبارزانش در هیچ مقطع و دورانی خالی بماند. این واقعیتی است که ثابت می‌کند آرمانهای این حزب و برنامه‌ها و سیاستهای برگرفته از خواستها و مطالبات مردم کوردستان هستند. حزب دموکرات کوردستان ایران دیرسالی است که از یک سازمان سیاسی ویژه‌ی چند قشر و بخش مردم، یا ویژه‌ی بخشی از کوردستان ایران فراتر رفته و در سطح کوردستان ایران به یک جنبش ملی و آزادخواهانه‌ی فراگیر و سراسری تبدیل شده است. این امر نیز واقعیتی است که در سالهای اخیر بسیاری اوقات و به شیوه‌ی گوناگون، تنها به‌عنوان نمونه در روند "خیزش ژن، ژیان، نازادی" (ژن، زندگی، آزادی) و در نوز میلיוنی با شکوه امسال، آشکارا خود را نشان داده است. این اعتماد بزرگ مردم کوردستان به حزب خویش اگر از سویی برای فرزندان این حزب مایه‌ی مباهات است، از سوی دیگر وظیفه و مسئولیت مهمی را در آغاز دهه‌ی جدیدی از فعالیت، آنهم در شرایط ویژه‌ی امروز منطقه و ایران بردوش حزب می‌نهد. به‌عنوان رهبری فعلی حزب دموکرات کوردستان ایران، در مقابل این اعتماد مردم کوردستان سر تعظیم فرود می‌آوریم و مؤظف و مکلف هستیم که این محبت و اعتماد را حفظ کرده و قوت بخشیم.

دوستان! دلسوزان و پشتیبانان حزب دمکرات کوردستان ایران!

در شرایطی هشتادمین یادروز تأسیس حزب خود را گرامی می‌داریم که روی هم رفته تحولات مثبتی به سود مسأله‌ی کورد در منطقه در جریان است. دولت ترکیه، پس از حدود یک سده انکار وجود بخش بزرگی از کوردستان و ملت کورد در این کشور و محروم کردن آن از ابتدایی‌ترین حقوق خویش، به ناچار راه اعتراف به وجود کورد را در پیش گرفته و رهبری سیاسی جنبش کورد در این بخش از کوردستان نیز عملاً آمادگی خود را جهت حل مسالمت‌آمیز مسأله‌ی کورد در این کشور اعلام داشته است. در سوریه خودمدیریتی کوردهای این کشور، علیرغم تغییر رژیم سیاسی کشور و تلاش حاکمیت جدید در راستای نابودی قواره‌ی سیاسی کوردها، توانسته است بر حفظ و حراست از دستاوردهای خویش تأکید ورزیده و پشتنگرم به حمایت سیاسی چند کشور غربی، جایگاه خود را حفظ کرده و وعده‌ی قانونی کردن حقوق ملت کورد در سوریه را بدست آورد. در

عراق و اقلیم کوردستان، انتظار می‌رود با تضعیف رژیم ایران و کاهش دخالتهای آن در کشورهای منطقه، شرایط بهتری برای حکومت اقلیم کوردستان بویژه در خصوص حل و فصل مشکلاتش با بغداد ایجاد شود.

در کوردستان ایران نیز علیرغم آنکه حزب ما و دیگر سازمانهای سیاسی حتی در خارج از مرزها از فشار سیاسی، حملات پهبادی و توطئه‌های تروریستی رژیم ایران در امان نیستند، در نتیجه‌ی درک سیاسی روزافزون مردم کوردستان و احزاب سیاسی آنها، مبارزه علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی و دفاع ملتمان از هویت ملی خویش، گامهای بزرگی به جلو برداشته‌اند. جنبش مدنی و جامعه‌ی مدنی با هم و تلاش کنشگران مدنی، علیرغم تمامی موانع و محدودیتها، رشد چشمگیری داشته و به بال دیگری از جنبش ملی و آزادخواهانه‌ی کوردستان تبدیل شده‌اند. همگامی این دو جنبش موجب آن گشته که کوردستان همانگونه که در "خیزش ژن، ژیان، نازادی" به اثبات رساند همچنان پیشاهنگ و پیشرو ضدیت با دیکتاتوری و ارتجاع در سطح ایران باشد. حزب دموکرات کوردستان ایران که همواره حامی و مشوق مبارزه‌ی مدنی و توده‌ای مردم کوردستان بوده است، به هشیاری سیاسی و ملی و مبارزه‌ی مدنی مردم کوردستان ایران افتخار می‌کند، هماهنگی و همبستگی با آنان را سرمایه‌ی بزرگی برای رسیدن ملتمان به آرمان دیرینه‌ی رهایی از فرودستی و نقض حقوقش در ایران می‌داند.

در حال حاضر ایران در مقطع حساسی از تاریخ خود بسر می‌برد. رژیم ایران پس از دهها سال حکمرانی با اتکاء به سرکوب خونین و تاراج ثروت و سامان مردم ایران و محروم کردن هم‌میهنان، از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهایشان، غیر از آنکه مردم و کشور ایران را با بزرگترین بحرانهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مواجه کرده، خود نیز رفته رفته پیامدهای سیاست آشوبگرانه، تروریستی و میلیتاریستی خود را مشاهده می‌کند. علیرغم آنکه چندین تریلیون دلار از ثروت و سامان مردم ایران را در پروژه‌ی هسته‌ای خود، در تولید گونه‌های مختلف پهپاد و موشک و در تجهیز گروههای نیابتی خود در کشورهای منطقه صرف کرده تا آنها را به جنگ با اسرائیل و آمریکا بکشاند، اما پس از هفت اکتبر ۲۰۲۳، تمامی این پروژه‌ها با شکست مواجه شدند؛ رژیم سوریه‌ی هم‌پیمان و حلقه بگوشش سرنگون شد، در خردادماه (ژوئن) سال جاری نیز مهمترین تأسیسات اتمی و موشکی و بلندپایه‌ترین فرماندهان سپاه پاسداران و متخصصین اتمی‌اش در یک جنگ ۱۲ روزه، هدف حمله‌ی اسرائیل قرار گرفته و از میان رفتند. آمریکا نیز در نهایت وارد جنگ شد و مهمترین سایتهای اتمی رژیم ایران را بمباران کرد.

پس از این ضربات اسرائیل و آمریکا، ریزش پایه و اساس رژیم و ضعف و درماندگی رژیم در دفاع از خویش، خود را کاملاً نشان داده است. این رژیم در حالی جنگ دیگری را برای کشور و مردم ایران به ارمغان آورده است که نتوانسته کوچکترین اقدامی در جهت حراست از جان هموطنان بعمل آورد؛ بدون آنکه بحرانهای پیشین زندگی مردم را حل و فصل نماید، دهها مشکل و بحران دیگر را در نتیجه‌ی این جنگ جدید بر آنها تحمیل کرده است. بدیهی است

• شماره: ۹۰۱ |

۳۱ مرداد ۱۴۰۴ _ ۲۲ آگوست ۲۰۲۵

کوردستان

که جنگ این رژیم با اسرائیل و آمریکا و درگیریهایش با کشورهای غربی پایان نیافته است. این رژیم چه به لجajt ادامه داده و بر سیاستهای تاکنونی‌اش پافشاری نماید و چه به تصمیمات آمریکا و اروپا گردن نهد، در هر دو حالت وارد مقطع سرنوشت سازی از حیات خود گشته که نتیجه‌ی آن فروپاشی کامل پایه‌های حاکمیتش، مواجهه با قیام مردم و رفتن بسوی پرتگاه و نابودی است.

حزب دمکرات کوردستان ایران بر این باور است که مخالفان رژیم ایران و بویژه سازمانهای سیاسی و جامعه‌ی مدنی کوردستان ایران، باید با اتحاد و آمادگی به استقبال این مقطع بروند. در این میان اتحاد حزب و دیگر سازمانهای کوردستان ایران و توافق آنان برسر نکات مشترک و آغاز همکاری عملی را وظیفه‌ای مبرم می‌داند، حزب ما بر یک سیستم جمهوری، دموکراتیک و فدرال برای ایران آینده که تنوعات ملی، زبانی و مذهبی مردم ایران و حقوق اساسی هموطنان را به‌رسمیت بشناسد، مجددا تأکید می‌ورزد. ما معتقد هستیم که همکاری و همگامی احزاب و سازمانهای کوردستان در چارچوب یک هم‌پیمانی کوردستانی، هم امنیت و آرامش کوردستان در دوران پس از سرنگونی رژیم را تضمین می‌نماید، هم تأثیرات مثبتی بر توافق با جریانات ایرانی برجای خواهد گذارد و جایگاه کوردستان مسأله‌ی مشروع و دیرینه‌اش را در ساختار و برنامه و موضع اَلترناتیو این رژیم ارتقاء می‌بخشد.

شیفتگان، دلسوزان، پشتیبانان و دوستان حزب دمکرات کوردستان ایران!

در عین حال که بمناسبت هشادمین سالروز تأسیس حزب دموکرات کوردستان ایران به شما، مردم دموکرات پرور کوردستان و کلیه‌ی اعضای حزبمان تبریک و تهنیت می‌گوییم، با تقدیر و حق‌شناسی به فداکاری و مبارزه‌ی فعالین حزب دموکرات در مقاطع و دورانهای مختلف می‌نگریم و در مقابل تلاش و فداکاری و تعهدشان نسبت به این حزب و ملتمان، سر تعظیم فرود می‌آوریم. ما دلگرم به حمایت مردم کوردستان، امیدوار به همبستگی نیروها و جریانات آزادیخواه کوردستان و ایران، خوشبین به روند رویدادها و تحولات مربوط به ایران و منطقه، افقهای پیش‌روی آینده‌یمان را روشن می‌بینیم و با امید بسیار و اعتقادی راسخ به سال جدید و دهه‌ی نوینی از فعالیت حزب پر افتخار دموکرات کوردستان ایران پا می‌نهیم.

خطاب به خلقهای ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز مجدداً بر این نکته تأکید می‌ورزیم که حزب دموکرات کوردستان ایران ایجاد یک نظام سیاسی جمهوری، دمکراتیک و فدرال که در آن مسأله‌ی ملی در ایران حل و فصل شده باشد را اَلترناتیوی مناسب برای آینده‌ی این کشور دانسته و همزمان خود را نسبت به پرنسیپها و مبانی مصوبه‌ی حزب در رابطه با ضرورت اتحاد با نیروهای سیاسی مخالف رژیم پایبند می‌دانیم.

حزب دمکرات کوردستان ایران

کمیته‌ی مرکزی

مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی

اوت ۲۰۲۵ میلادی

هشتاد سال ایستادگی، هشتاد سال پیوند با مردم



ارومیه ب

هشتاد سالگی حزب دموکرات کوردستان ایران، تنها ثبت یک تاریخ طولانی در تقویم نیست، بلکه یادآور شکل‌گیری و استمرار پیوندی زنده میان مردم کورد و نهادهای است که از نخستین روزهای حیات خود، ریشه در زندگی روزمره آنان داشته است. این پیوند، در دهه‌های پرآشوب ۴۰ و ۵۰ خورشیدی، با رشادت پیشمرگه‌ها، هوشیاری سیاسی و حضور

بی‌دریغ مردم ساخته شد. آن نسل‌ها، با کمترین امکانات، در میدان‌های پرخطر، نه تنها از آرمان آزادی دفاع کردند، بلکه اعتماد و همبستگی‌ای بنا نهادند که هنوز در حافظه جمعی روستاها، شهرها و خانواده‌ها جریان دارد.

مردمی بودن حزب، بزرگ‌ترین سرمایه آن است، سرمایه‌ای که حاصل سال‌ها همراهی در لحظات سخت و روزهای امید بوده است. پایگاه اجتماعی‌اش، از روستایی و شهری تا فرهنگی و روشنفکر، شبکه‌ای از اعتماد و تعلق ساخته که فراتر از نسل و جغرافیا امتداد دارد. این سرمایه، اگر با زبان امروز و ابزارهای نوین بازتعریف شود، می‌تواند حلقه‌ی اتصال نسل‌ها باشد، از پیشمرگه‌هایی که در سرمای کوهستان و گرمای میدان‌ها ایستادند، تا جوانانی

که امروز میدان نبردشان بیشتر عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای است. نسل امروز، با همه تفاوت‌هایش، همچنان نیازمند معنای مشترک، پشتوانه اخلاقی و حس تعلق است. تجربه نسل‌های پیشین نشان داده که حزب دموکرات کوردستان ایران می‌تواند چنین پناهگاهی باشد، جایی که هم امنیت روانی و اخلاقی فراهم کند و هم مدرسه‌ای برای یاد گرفتن کار جمعی، انضباط، شجاعت و مسئولیت‌پذیری باشد. اگر این میراث با خلاقیت نسل نو پیوند بخورد، می‌توان پایگاهی ساخت که هر کوردی، فارغ از سن و گرایش فکری، خود را در آن شریک بداند.

امروز، در میانه‌ی تحولات سریع خاورمیانه و فشارهای ژئوپولیتیکی، نقش چنین نهادی حساس‌تر از همیشه است. روز‌هلات در برابر

پیچ‌وخم‌های تازه‌ای قرار دارد که تنها با هدایت هوشمندانه، انسجام اجتماعی و مدیریت اختلافات داخلی می‌توان از آنها عبور کرد. ظرفیت تاریخی و مردمی حزب، آن را در موقعیتی یگانه قرار می‌دهد تا پایگاهی برای اتحاد و همدلی میان همه جریان‌های فکری باشد، پلی که اختلاف‌نظرها را به گفت‌وگو و همکاری بدل کند و مانع شود که تحولات پرشتاب، جامعه را به حاشیه یا انزوا بکشاند.

هشتاد سالگی، زمانی است برای مرور رشادت‌ها، اما مهم‌تر از آن، فرصتی است برای بازتعریف نقش، نقشی به‌عنوان مرکز ثقل سیاسی و اجتماعی که بتواند با بهره‌گیری از تجربه دهه‌های گذشته و آگاهی از واقعیت‌های امروز، روز‌هلات

استعمار داخلی و شکاف‌های ملی در

عصر مدرن: بازاندیشی در نظریه

بر این باور است که توسعه‌ی اقتصادی مدرن ذاتاً ناهمگون، تبعیض‌آمیز و در خدمت تثبیت قدرت مرکز است. آنچه به‌عنوان "توسعه ملی" توصیف می‌شود، در واقع فرآیندی است که در آن گروه یا منطقه‌ای خاص (مرکز) با در اختیار داشتن ابزارهای تصمیم‌گیری و منابع حیاتی، مسیر توسعه را به نفع خود شکل می‌دهد.

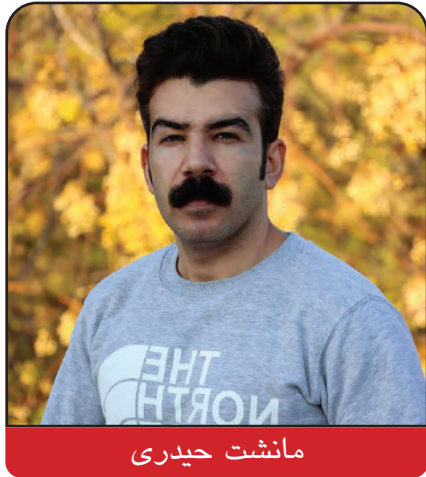
در اینجا مدرن‌سازی نه به‌مثابه یک فرآیند همگرایانه، بلکه به‌مثابه مکانیزمی برای بازتولید سلطه دیده می‌شود. به جای ادغام، ما با تقسیم کار فرهنگی مواجه‌ایم؛ ساختاری که در آن گروه‌های فرهنگی و ملی متفاوت، بر اساس موقعیت‌شان در نظم تولید، به‌گونه‌ای نابرابر نقش می‌پذیرند. گروه‌های حاشیه‌ای به حاشیه‌ی اقتصادی رانده شده و در ساختار قدرت و منزلت، جایگاه فروتری می‌یابند.

هکتر به‌درستی نشان می‌دهد که ملی‌گرایی نه نیرویی وحدت‌بخش، بلکه پوششی برای استمرار نابرابری‌هاست. دولت‌های ملی مدرن، تحت لوای یکپارچگی ملی، تفاوت‌های ملی و زبانی را سرکوب کرده و تلاش می‌کنند نظم سلطه را در قالب هویتی ملی و یکپارچه بازتولید کنند. اما همین کوشش، با واکنش‌های فرهنگی و هویتی از سوی گروه‌های حاشیه مواجه می‌شود.

این گروه‌ها که در نظم رسمی به حاشیه رانده شده‌اند، اغلب تلاش می‌کنند از طریق تقویت نشانه‌های فرهنگی (زبان، دین، حافظه‌ی تاریخی)، جایگاه خود را بازتعریف کنند. در این معنا، ملیت نه پدیده‌ای ازلی و ایستا، بلکه واکنشی به تجربه‌ی زیسته‌ی نابرابر و سلطه‌ی مرکز است.

یکی از نقاط قوت تحلیل هکتر، تبیین وابستگی ساختاری اقتصاد حاشیه به مرکز است. به‌رغم ظاهری از مشارکت در فرآیند توسعه، اقتصاد حاشیه غالباً تک‌محصولی، متمرکز بر صادرات و فاقد تنوع ساختاری و در نتیجه نسبت به نوسان‌های قیمت در بازار جهانی بسیار حساس‌تر است و روزبه‌روز فقیرتر می‌شود. در مقابل، مرکز ساختاری پیچیده، متنوع و مقاوم در برابر بحران‌ها دارد. همین تفاوت در ساختار اقتصادی، موجب می‌شود که مرکز نه‌تنها از فقر حاشیه سواستفاده کند، بلکه وابستگی حاشیه به خود را حفظ و حتی آن را تعمیق بخشد.

تصمیم‌گیری درباره‌ی تخصیص سرمایه، توسعه‌ی صنعتی، تعیین دستمزدها و



مانشت حیدری

یکی از وعده‌های محوری پروژه‌ی مدرنیته، ایجاد همگرایی اجتماعی و یکپارچگی ملی در بستر توسعه اقتصادی، صنعتی‌شدن و مدرن‌سازی نهادهای اجتماعی بوده است. گفتمان‌های توسعه‌گرا، به‌ویژه از منظر نئولیبرالی و نظریه‌پردازان همسان‌سازی فرهنگی، بر این باور بودند که در فرآیند صنعتی‌شدن، شکاف‌های ملی و فرهنگی به تدریج رنگ می‌بازند و ساختارهای متکثر ملیتی در دل یک نظم ملی، حل و جذب می‌شوند. این ایده، در نظریه‌ای که می‌توان آن را «الگوی انتشار» نامید، به خوبی متبلور شده است. بر اساس این الگو، توسعه‌ی سرمایه‌داری و ادغام اقتصادی، مقدمات وحدت اجتماعی و سیاسی را فراهم می‌آورد.

با این حال، تجربه تاریخی جوامع مختلف، از جمله کشورهای صنعتی پیشرو مانند بریتانیا که به تعبیری نخستین کشوری است که از قرن شانزدهم میلادی می‌توان در آن رشد و گسترش شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری و سپس در قرن نوزدهم صنعتی‌شدن را دنبال کرد، شواهدی برخلاف این دیدگاه ارائه داده و نشان می‌دهد که در بستر توسعه‌ی اقتصادی، تمایزهای ملی نه‌تنها ناپدید نشده‌اند، بلکه تفکیک و تبعیض قومیتی خصوصاً میان انگلستان و ملل سلتی (ساکنان بومی مناطق اسکاتلند، ولز، کورنوال، جزیره‌ی مان و ایرلند) بسیار پررنگ بوده است و گاه به نیرویی سیاسی بدل شده‌اند که وحدت ملی را به چالش می‌کشد. این شکاف‌ها به‌ویژه در روابط بین مرکز و حاشیه پدیدار می‌شوند. نظریه‌ی «استعمار داخلی» مایکل هکتر جامعه‌شناس مشهور و استاد دانشگاه ایالتی آریزونا، تحلیل بدیع و جالبی از این پدیده ارائه می‌کند.

در نقطه‌ی مقابل الگوی انتشار، هکتر

هشتاد سال پایداری و

مبارزه حزب دمکرات

کوردستان ایران؛ از

مهاباد تا امروز



هزار کرمانشایی

شد. پاسخ جمهوری اسلامی اما، سرکوب نظامی گسترده و خونین بود. هزاران تن از پیشمرگه‌ها و غیرنظامیان قربانی این سیاست شدند. در کنار نبردهای مسلحانه، رژیم ترورهای هدفمند علیه رهبران حزب را آغاز کرد. قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو، دبیرکل وقت حزب، در وین (۱۳۶۸) و دکتر صادق شرفکندی و یارانش در ماجرای میکونوس برلین (۱۳۷۱)، تنها نمونه‌هایی از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای حذف فیزیکی این جریان هستند.

بمباران مقرهای حزب در اقلیم کوردستان عراق، حملات پهبادی، عملیات نفوذ و حتی تهدید خانواده‌های اعضا، بخشی از سیاست مستمر رژیم برای تضعیف حزب بوده است. با این حال، حزب دمکرات کوردستان ایران نه تنها باقی مانده، بلکه همچنان یکی از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین احزاب سیاسی ایران و کوردستان است.

راز ماندگاری این حزب در ریشه‌های عمیق مردمی آن نهفته است. حزب از دل توده مردم برخاسته و در سخت‌ترین شرایط، پشتوانه‌اش حمایت مردم کوردستان از کارگران، روشنفکران و جوانان و همه‌ی اقشار جامعه بوده است. این پیوند ناگسستنی، مانع از آن شده که حتی شدیدترین فشارها نیز بتوانند آن را تسلیم یا ازپای درآورند.

امروز، در هشتادمین سالروز تأسیس، حزب دمکرات کوردستان ایران نه فقط به گذشته پرافتخار خود می‌نگرد، بلکه چشم به آینده دوخته است؛ آینده‌ای که در آن حقوق برابر، آزادی و دموکراسی برای همه ملت‌ها و اقوام ایران محقق شود. این حزب با تجربه هشت دهه مبارزه، همچنان به‌عنوان صدای رسا و ستون استوار جنبش آزادی‌خواهی کوردستان باقی خواهد ماند.

هشتاد سال ایستادگی، گواه آن است که اگر یک حزب از دل مردم برخیزد، هیچ سرکوب و تروری قادر به خاموش کردن آن نخواهد بود.

بیست‌وپنجم مرداد ۱۳۲۴ خورشیدی (۱۶ اوت ۱۹۴۵ میلادی)، روزی ماندگار در حافظه ملت کورد است. در این روز، جمعی از روشنفکران و مبارزان کورد، با ایمان به ضرورت سازمان‌یافتگی و دفاع از حقوق ملی، حزب دمکرات کوردستان ایران را بنیان نهادند. آنان می‌خواستند صدای ملت کورد در ایران باشند؛ ملتی که سال‌ها زیر فشار تبعیض و بی‌عدالتی، از حقوق سیاسی، فرهنگی و زبانی محروم شده بود.

تنها چند ماه پس از تأسیس، حزب دمکرات جمهوری کوردستان در شهرمهاباد را بنیان گذاشت؛ نخستین تجربه حاکمیت ملی کوردها در تاریخ معاصر. هرچند این جمهوری کمتر از یک سال دوام آورد و با حمله نظامی دولت مرکزی سقوط کرد، اما میراث آن، آگاهی سیاسی و اعتمادبه‌نفس ملی بود که تا امروز زنده مانده است.

در دهه‌های بعد، حزب دمکرات کوردستان ایران بارها با سرکوب و فشار حکومت‌های وقت روبه‌رو شد. رژیم پهلوی با بازداشت، شکنجه و اعدام اعضا و هواداران حزب، می‌کوشید این جریان را خاموش کند، اما حزب با فعالیت مخفی و ارتباط عمیق با مردم به حیات خود ادامه داد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، حزب بار دیگر به‌طور علنی در کوردستان ایران فعال شد و خواهان تحقق حقوق ملت کورد در چارچوب ایرانی دموکراتیک و حاکمیت غیرمتمرکز در این کشور

پیام حزب مردم بلوچستان بمناسبت هشتادمین سالروز تأسیس حزب دمکرات کوردستان ایران



جنبش بود و بلوچستان صدای بلند آن. اتحاد ما در شعار «از زاهدان تا سندهج» صرفا یک شعار نبود، بلکه نماد آگاهی ملی-اجتماعی جدیدی است که جمهوری اسلامی را به چالش کشیده و همزمان افق بی‌بدیلی را ترسیم کرده است. از سوی دیگر، جنگ دوازده روزه اخیر میان جمهوری اسلامی و اسرائیل و ایالات متحده، پوسیدگی ساختار قدرت جمهوری اسلامی را عیان کرد. این نظام که دهها با سیاست صدور ترور، ایجاد نیابتی‌های بی‌ثبات‌کننده و سرکوب داخلی دوام یافته بود، اکنون نه در جبهه‌های خارجی و نه در دل مردم، از مشروعیت تهی و از کارایی بجز سرکوب مردم، برخوردار نیست و رهبرش راهی دخمه و فرماندهانش کشته شده‌اند، و مردم در سراسر کشور، به‌ویژه در مناطق تحت ستم، از این رژیم عبور کرده‌اند در چنین شرایطی، سخن گفتن از «گذرا از این نظام» دیگر یک پروژه دوردست نیست، بلکه ضرورتی تاریخی گشته است.

ما بر این باوریم که حزب دمکرات کوردستان ایران، با پیشینه‌ای روشن و مردمی، سرمایه اجتماعی گسترده و توان سازمانی چشمگیر، می‌تواند و باید یکی از پایه‌های اصلی آلترناتیوآینده باشد. هم‌رزمی این حزب با نیروهای ملی‌گرای دیگر، از جمله حزب مردم بلوچستان، نه یک تاکتیک، بلکه استراتژی‌ای برای بازسازی ایران از پایین، از دل ملت‌ها، از متن تجربه سرکوب‌شدگان است. ما امروز، در کنار برادران و خواهران کورد خود، این سالروز را نه صرفا به عنوان یادمان یک تأسیس، بلکه به مثابه اعلام موجودیت دوباره امید، مقاومت و چشم‌انداز مشترک برای ایران آینده گرامی می‌داریم.

حزب مردم بلوچستان
اوت ۲۰۲۵

در ۱۶ اوت ۱۹۴۵، حزب دمکرات کوردستان ایران به رهبری شهید قاضی محمد در شهر تاریخی مهاباد تأسیس شد؛ نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت کورد که با طرح خواست خودمختاری، عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت، الگو و الهام‌بخش بسیاری از ملت‌های به‌حاشیه رانده شده در ایران شد. امروز، در سالروز این رویداد تاریخی، ما در حزب مردم بلوچستان، ضمن گرامی‌داشت این مناسبت بزرگ، بر همبستگی راهبردی خود با حزب دمکرات کوردستان و دیگر نیروهای دموکراتیک مردمی ایران تأکید می‌کنیم.

حزب دمکرات کوردستان ایران، با نگاهی فراملی و مترقی، همواره تلاش کرده است خواسته‌های مردم کورد را به سطحی فراگیر ارتقا دهد و با پیوند زدن مطالبات ملت کورد با دیگر ملت‌ها و جنبش‌های عدالت‌خواه، از دل مرکزگرایی و سرکوب ساختارمند نظام جمهوری اسلامی، راهی به سوی نظم نوین، سکولار و غیرمتمرکز بگشاید.

ما در بلوچستان، همچون کوردستان، طعم تلخ ستم ملی، اعدام، تبعیض، فقر و به حاشیه رانده شدن را چشیده‌ایم. تجربه ما نشان داده است که مسیر رهایی، نه از دل اصلاحات سطحی، بلکه از طریق همکاری راهبردی ملت‌های تحت ستم و مشارکت در پروژه‌ای مردمی برای گذار به نظامی فدرال، دموکراتیک در ایران چندملیتی می‌گذرد.

در همین راستا، حزب مردم بلوچستان همواره کنگره ملت‌های ایران فدرال که حاصل تجمع احزاب ملل به حاشیه رانده شده است را فضایی مشترک برای هم‌افزایی، هماهنگی و بازاندیشی در آینده ایران دانسته و خواهد دانست. جنبش زن، ژبان، ئازادی که از قتل مظلومانه ژینا (مهسا) امینی برخاست، بار دیگر نشان داد که ملت‌های ایران در پیوند با هم نیرویی شکست ناپذیر هستند، و کوردستان قلب تپنده این

هشتاد سال مبارزه برای آزادی



رضا دانشجو

حزب دمکرات کوردستان ایران در حالی هشتادمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرد که علیرغم برخی از مشکلات و کاستی‌ها، با عبور از بحران‌های متعدد توانسته ضمن حفظ استقلال فکری و سیاسی خود نماینده‌ای لایق برای احقاق حقوق مردم کوردستان باشد. این هرگز به معنای چشم بستن بر مشکلات و ایرادات ساختاری و بعضی از تصمیمات اشتباه در این مسیر هشتاد ساله نیست که هر حزب دیگری هم می‌توانست مبتلا به آن باشد!

در ادامه به برخی از ویژگیهای منحصر بفرد حزب دمکرات کوردستان ایران که آنرا از بسیاری از احزاب دیگر متمایز می‌سازد، اشاره می‌شود:

قدمت تاریخی منحصر بفرد

به جرات می‌توان گفت نه تنها در جغرافیای ایران بلکه در خاورمیانه کمتر حزبی را با قدمت تاریخی حزب دمکرات کوردستان می‌تواند پیدا کرد. نادر احزابی هم که تاریخ تأسیس آنها قبل از حزب دمکرات بوده به‌عنوان مثال حزب توده ، اینک به تاریخ پیوسته و دیگری اثری از آنها یافت نمی‌شود. نباید فراموش کرد رمز این ماندگاری در مردمی بودن و پایگاه کوردستانی حزب دمکرات است . همان حزب توده که زمانی میتینگ‌های چند ده هزار نفری برگزار می‌کرد اینک حتی نامش هم برای بسیاری از مردم ایران ناآشناست ! در واقع قدمت حزب دمکرات و ماندگاری آن مرهون همین پایگاه مردمی آن است.

حزب دمکرات پاسخ به یک خواسته مردمی

شاید این بزرگترین و مهم‌ترین تفاوت میان حزب دمکرات و بسیاری از احزاب دیگر باشد. حزب دمکرات برخواسته از یک ندای مردمی و در واقعی پاسخی به خواست سرکوب شده سالیان کوردهاست! بی گمان همراهی مردم کوردستان از همان روز اول تأسیس حزب دمکرات با پیشوای فقید تا همین امروز نشان دهنده عمق این نزدیکی است. در واقع حزب دمکرات تأسیس شد تا خواسته‌های مردم کوردستان را فرمولیزه و ساختارمند کند. در مقایسه می‌توان احزاب دستوری و حکومتی مانند حزب رستاخیز در دوران پهلوی یا حزب جمهوری اسلامی در دوران رژیم ولایت فقیه را نام برد احزابی کاغذی که در واقع برای تحمیل اراده حاکمیت تولید شدند. نوع دوم احزابی بودند تحت حاکمیت دول بیگانه که شاید بزرگترین نمونه آن هم حزب توده باشد که تمام جهت گیری‌ها و تصمیم گیری‌هایش وابسته به موضع دولت شوروی بود!

در واقع این سردمداران شوروی بودند که به حزب توده خط و مسیر می‌دادند

عبور از بحران‌ها

تاریخ هشتاد ساله حزب دمکرات مملو از لحظات سخت و نفس گیری است که برای هر حزب سیاسی دیگری می‌تواند به معنای پایان حیات و مرگ باشد.

سقوط جمهوری کوردستان و سرکوب وحشیانه اعضای حزب تازه تأسیس شده حزب دمکرات و به دارآویختن پیشوای فقید و همراهانش می‌توانست پایانی زودرس باشد بر عمر کوتاه حزب دمکرات ! اما حزبی که در میان مردمش ریشه دوانده و اساسا پاسخی به درخواست آنهاست از هر فرصتی برای احیا و شکوفا شدن استفاده می‌کند. به همین دلیل سال‌ها بعد عده‌ای جوان که شاید حتی پیشوا را هم ندیده باشند دوباره کنار هم جمع می‌شوند و حزب دمکرات را سازماندهی می‌کنند. در حوادث آغازین بعد از انقلاب ۵۷ و در جریان کنگره چهارم حزب خطر بزرگی دوباره حزب دمکرات تهدید می‌کند. حزب توده در فکر استیلای فکری و عقیدتی بر حزب دمکرات است. متأسفانه عده‌ای از داخل ساختار رهبری حزب همراه می‌شوند اما رهبری دکتر قاسملو و البته پایگاه مردمی حزب دمکرات اجازه نمی‌دهد و حزب دمکرات بار دیگر قد علم می‌کند! حیرت انگیز است اما اینک از آن حزب توده چیزی جز نامش در لابلای صفحات تاریخ چیزی باقی نمانده است اما حزب دمکرات در تدارک جشن هشتادسالگی‌اش است! جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی و اجبار به ترک شهرها و پناه بردن به کوهستان هم کوچکترین خللی در صفوف حزب دمکرات ایجاد نمی‌کند چه حتی پایگاه مردمی آن را بسیار بالاتر می‌برد. در این میان اتفاق تلخ دیگری رخ می‌دهد انشعاب! حزب دمکرات از این گردنه خطرناک هم عبور می‌کند آنهم نه یکبار و دوبار و حتی به روایتی سه‌بار !!! هرچند مسلما این عبور بدون هزینه نبوده و روح بسیاری از مردم کوردستان و ناسیونالیسم کوردی را آزار می‌دهد اما در نهایت این حزب دمکرات است که زنده و پویا در حال ورود به دهه نهم عمر خویش است.

علیرغم همه آنچه تاکنون گفته شد نباید فراموش کرد که حزب دمکرات در دهه نهم عمر خود با چالش‌های بزرگی همراه هست که بی توجهی به آنها می‌تواند صدمات جبران ناپذیری به ناسیونالیسم کوردی در شرق کوردستان وارد کند.

تفاوت نسل‌ها و زبان گفتگو

اگرچه هشتاد سال استواری و پابرجایی یکی از نقاط برجسته حیات سیاسی

تمامیت ارضی یا حبس اراده ملت‌ها؟



سهراب رحمتی

مقدمه

وقتی که سرنوشت صلب و از آن خود نباشد، تلاش برای احقاق آن امری ضروری است. مطالبه‌گر -ملت بدون دولت- نخست به جستجوی آن در متون حقوق بین الملل که کشورها مهمترین عضو آن می‌باشند، می‌گردد و واقعیت‌های ملموس جامعه خود را برای احقاق حقوق برحق خود با آن منطبق می‌سازند. این جستار سعی بر آن دارد که نمایی کلی - بدون ارجاع و تشریح اصول حقوق بین الملل- از تاریخ و سیاست مطالبه‌گری و واکنش ذهنیت ملی‌گرایی حاکم در کوردستان و ایران بپردازد که آیا حق تعیین سرنوشت در این فضای متلاطم خاورمیانه و نیز تحت هژمونی یک ایدئولوژی خاص (ملی‌گرایی ایرانی) میسر خواهد شد و بر همین مبنا چند پرسش را در معرض دید بازیگران در این جغرافیای سیاسی قرار دهد.

سیاست بین الملل در طول تاریخ خود براساس منافع قدرتهای بزرگ شکل گرفته است. نقش این کشورها در تدوین قانون بین الملل، بسط یافتن حقوق بشر و نیز استقلال و زایش چارچوب‌های سیاسی- اجتماعی، اساسی بوده است که قبل از مشروعیت بین المللی، یک ملت بدون دولت بوده‌اند و در مجامع بین المللی حتی حق مطالبه حقوق خود را نداشته‌اند اما بعد از به رسمیت شناخته‌شدن به عنوان یک بازیگر بین المللی نقش ایفا می‌کنند.

ایران یکی از این بازیگرهای سیاسی می‌باشد که در حوزه داخلی با مشکلات عدیده‌ای روبرو است و در حوزه خارجی به عنوان یک حاکمیت تنوکرات و اقتدارگرا شناخته شده است و در حوزه ذهنیتی نیز در حالت کاملاً متافیزیک، در افکار هر فرد ایرانی ملی‌گرایی حاکم تلقی و مطالبات تکثرهای ملی داخلی را به عنوان دیگری خود، می‌بیند.

نخست باید بر این موضوع واقف بود که اگرچه کشورها خالق سازمان ملل متحد و قانون بین الملل هستند اما حقوق بین الملل نیز از ویژگی خالق بودن برخوردار است و در بعضی شرایط در خلق کشورهای جدید، نقش بنیادین دارد. برای اثبات این مدعی فقط کافیست که به تاریخ تدوین و تصویب حقوق بین الملل اشاره‌ای داشت. در عصر حاضر به غیر از فلسطین و واتیکان ۱۹۳ کشور مستقل وجود دارد. بعد از تصویب حقوق بین الملل با اراده ۵۱ کشور مستقل جهان، تاریخ شاهد روند استقلال کشورها که حاصل اراده ملت‌های تحت ستم بود شد. ۸۰ کشور به دلیل گذار از استعمار، ۳۰ کشور به دلیل فروپاشی امپراطوری‌های بزرگ و ۱۰ کشور هم با شورش یا جنبش‌های ملی‌گرایی به استقلال رسیده‌اند.

* ملی‌گرایی ایرانی

در همه حوزه‌های زندگی احساس تعلق انسان‌ها در شکل‌گیری جوامع نقش



مشارکت می‌کنند.

ایران به کار می‌گیرد. در مقام نتیجه‌گیری می‌توان گفت که ملت کورد در طول هشت دهه مطالبه، مبارزه و مذاکره خود، نخست اینکه خود را یک ملت تعریف نموده و از طرفی دیگر دارای خواست سیاسی مدرن و مدون و حتی از لحاظ تاریخ سیاسی و مبارزاتی خود دارای چارچوب‌های فکری ملموسی می‌باشند. مطالبه ملت کورد در ایران بر مبنای حق تعیین سرنوشت خود در بعد داخلی آن می‌باشد که در آن تمامیت ارضی قدسی! به مخاطره ن‌یافتند. شایان ذکر است که برای نیل به این هدف هزینه زیادی متحمل شده‌اند که نمونه بارزی از نسل‌کشی، زبان‌کشی، جابجایی جمعیت، انتقال و جایگزینی سیستماتیک، تبعیض، تبعید، دستور جهاد و کشتار، ترور و تصفیه را چه بصورت فرا قانونی و چه در متون حقوقی حاکمیت، به‌خود دیده است.

در اینجا و با طرح یک سوال که آیا چرخه مطالبه - سرکوب در ایران تاکجا ادامه می‌یابد و در حوزه گفتمانی - عقلیتی نیز اینکه حاکمیت و ذهنیت ملی‌گرایی ایرانی بر همان عقیده سلفی مآبانه مقدس! خود پافشاری خواهد کرد یا اینکه حداقل برای نیل به آن که همان ارجحیت تمامیت ارضی بر همه ارزش‌های انسانی و حقوق بشر می‌باشد با مطالبه کوردها و سایر ملل تحت ستم در ایران در بعد داخلی حق تعیین سرنوشت، خود را به قناعت خواهد رساند، یا اینکه آنها را به میدانی دیگر از مطالبه‌گری که بعد خارجی حق تعیین سرنوشت و استقلال آنها است، سوق می‌دهند؟

نوع دوم حق تعیین سرنوشت شکل خارجی آن است که هر ملتی این حق را داراست که آزادانه در تعیین سرنوشت بین المللی خود و انتخاب آزادانه شکل و محدوده‌ای از موجودیت سیاسی که خواهان زیستن در آن است، نقش ایفا کند.

با نگاهی به تاریخ سیاسی-مبارزاتی ملت‌های تحت ستم در ایران و مبتنی بر برنامه سیاسی مدون آنها، هدف از مشارکت سیاسی، شکلی از حق تعیین سرنوشت داخلی می‌باشد. جوهر مطالبه‌گری آنها مشارکت آزادانه و برابر برای رسیدن به یک عقل مشترک در امر سیاست‌گذاری، بوده است که یک راهکار راهبردی حقوق بین الملل می‌باشد. به موازات آن، ذهنیت ملی‌گرایی فرادست ایرانی در همه قشرهای تحت ستم، گریبانگیر اصطلاح‌هایی بدون ارتباط با آن، همچون "تمامیت ارضی"، "تجزیه‌طلبی" و خیانت به فرهنگ اصیل، خاک و میهن مقدس ایران" می‌شود.

اساساً، عنصر اساسی اصل تمامیت ارضی در حقوق بین الملل و در بعد خارجی آن دخالت یک عنصر خارجی به عنوان دولت است که قصد تعرض یا تجزیه یک کشور را داشته باشد. در حوزه داخلی آن نیز وقتی این اصل حائز اهمیت قرار می‌گیرد که نقض حقوق بشر در آن کشور وجود نداشته باشد، در غیر این صورت جوهر این اصل رنگ می‌بازد و ملل تحت ستم در شرایطی که حقوق بین الملل اتخاذ می‌دارد، می‌توانند به استقلال دست یابند که ذهنیت ملی‌گرایی فرادست اصطلاح "تجزیه‌طلبی" را که اساساً یک واژه بیگانه با حقوق بین الملل می‌باشد، برای مقابله با خواست سیاسی ملل تحت ستم در

ما از جنس بهترین‌ها است و در نهایت شیوه‌ای از سیاست و حکومت را که ما ارائه می‌دهیم، اوج فرهنگ باهمزیستی ایرانی می‌باشد، ذاتاً نهادینه شده می‌باشد.

این نوع ذهنیت ملی‌گرا، زبان همه طیف‌های متضاد در منافع اما موافق در سرکوب فرهنگ‌های متکثر ملیت‌های ایران می‌باشد حتی اگر گفتمان و اهداف سیاسی آنها (ملل تحت ستم در ایران) در چارچوب اصول و مبانی حقوق بین الملل باشد.

* حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم

به اعتقاد جان رالز، آزادی برابر در ابعاد سیاسی دقیقاً همان اصل مشارکت برابر می‌باشد. پس یکی از مهم‌ترین عناصر مشارکت برابر، همان آزادی اندیشه و تفکر سیاسی است. به بیانی دیگر افراد آزاد و برابر باید بتوانند که افکار سیاسی خود را بروز و از آن دفاع نمایند. فارغ از تعریف حقوق بین الملل و نیز ملیت‌های فرودست از واژه "ملت"، و با تاکید بر اصل مشارکت برابر در تعیین سرنوشت، حقوق بین الملل اعضاء خود و همچنین جوامع بشری متکثر و نامتجانس در داخل کشورها را به یکی از راه‌های احقاق حقوق بشر، تشویق می‌نماید.

مفهوم نخست حق تعیین سرنوشت، شکل داخلی آن است که مردم یک کشور با همه تفاوت‌ها و تکثرها در داخل مرزهای موجود می‌توانند شکل و فرم نظام سیاسی و اجتماعی خود را آزادانه انتخاب کنند. اشکال حکومت در این نوع یکی از فرم‌های بسیط، خودگردانی، خودمختاری منطقه‌ای، فدرالیسم است که در چارچوب مرزهای ترسیم شده صورت می‌گیرد و مردم آزادانه در نهادهای تصمیم‌گیرنده

کلیدی دارد. اینکه یک چارچوب سیاسی - اجتماعی سامانمند یا سنتی و واپسگرا است، حاصل شناخت کامل از جامعه و احترام متقابل می‌باشد.

رولان برتون، جوامع متکثر سیاسی را بر دو نوع ملی‌گرایی تقسیم می‌کند که هم می‌توانند جامعه‌ای بسامان را درست کنند و هم برعکس. او معتقد است که "زبان ملی‌گرای حاکم به تاریخی ملی و جهانی تعلق دارد و باید آن را مدحی در ستایش از آخرین فاتحان دنیا دانست، چرا که در پشت این زبان ساده و سرپسته، زبانی که به از خود بیگانگی‌ها ظاهری قابل‌پذیرش می‌دهد، یک ایدئولوژی غالب نهفته است که هدف اصلی آن ارزش دادن به دولت‌های ملی در برابر هر گروه یا جنبش مخالفی است" (برتون ص ۳۶).

شکل ملی‌گرایی حاکم در ایران از همین جنس می‌باشد. زبانی تزئینی که در قدسیت بخشی به تاریخی هزاران ساله، سرزمین و نام تقدس یافته‌ی ایران و ایرانیت شهری و "نژاد آریایی" به مثابه یک نژاد برتر، مقامی بلندپایه اما خود ساخته داده است. این فرم از ملی‌گرایی خود برتربین، هیچ تقابلی و تبادل افکاری را تحمل نمی‌کند و اساساً به عقل مشترک و جمعی باور ندارد.

نوع گفتمان این نوع ویژه از ملی‌گرایی فرادست، در نهاد حاکمیت، اپوزیسیون و حتی آزادیخواهان متواری و آزاداندیش آن یکسان و دارای یک ماهیت نامتغییر هستند. دقیقاً زبان ملی‌گرای حاکم در ایران زبانی شیرین است که حامل یک ایدئولوژی پرورش یافته و ذهنیتی متافیزیکی، در همه قشرها و نسل‌های آن می‌باشد. ادبیات "ما یک ملت هستیم، زبان ما زبانی تحقیقی، ادبی و کامل است، قدمت ایران ما به تاریخ بشریت و نژاد

رحیم رشیدی:

حزب دمکرات از مردم برخاسته و برای مردم است



مصاحبه: شهرام سبحانی

مصاحبه‌ی با آقای رحیم رشیدی، عضو انیستیوی گلد برای استراتژی بین‌المللی خواهیم داشت.

● آقای رشیدی خیلی ممنون از اینکه دعوت ما را پذیرفتید، ابتدا با این سوال مصاحبه را شروع کنیم که، چرا حزب دمکرات به عنوان محبوب ترین حزب شرق کوردستان شناخته می‌شود، دلایل این محبوبیت چیست؟

من بر این باورم که حزب دمکرات کوردستان، همانا که حزب بسیار محبوب مردم شرق کوردستان است، بلکه در میان همه مردم کوردستان، احزاب آزادیخواه و مبارزان منطقه و حتی جهان جایگاهی ویژه و محترم دارد. زیرا آرمان‌ها و اهدافی که این حزب برای تحقق آن‌ها تلاش می‌کند، ریشه‌ای انسانی، عادلانه و همسو با ارزش‌ها و معیارهای پیشرفته جهانی دارند. افزون بر این، حزب دمکرات کوردستان بنیانگذار نخستین دولت مدرن کوردستان در سال ۱۳۲۴ خورشیدی بود؛ دولتی که به رهبری پیشوا قاضی محمد شکل گرفت و نخستین جمهوری کوردستان را در تاریخ ثبت کرد.

حزب دمکرات همواره در پیشگامی برای احقاق حقوق سیاسی و قانونی مردم

این حزب جریان داشته است، و از سوی دیگر، همواره سرکوب شدید و بی‌رحمانه حاکمیت ایران علیه این حزب در دستور کار قرار گرفته است.

● دستاوردهای حزب دمکرات به عنوان اولین حزب مدرن کوردی در تاریخ سیاسی و مبارزاتی کوردها در کوردستان ایران چه بوده است؟

مفاهیمی همچون «پیشمرگ»، «پرچم»، سرود ملی «ای رقیب» و بسیاری دیگر از نمادهای هویتی و ملی کوردستان، دستاورد جمهوری کوردستان و مبارزه سیاسی و انقلابی حزب دمکرات در روند مبارزاتی این حزب بوده‌اند. این حزب در معرفی آرمان‌های کوردستان به جهان گام‌های بزرگی برداشته، به عضویت سازمان‌های بین‌المللی درآمد و از این ظرفیت‌ها برای ترویج مسائل کوردستان همواره فعالانه استفاده کرده است.

حزب دمکرات همچنین فرهنگ برابری، سوادآموزی، پاسداشت محیط زیست و کنش مدنی را در جامعه گسترش داده است. در حالی‌که بارها هدف ترور قرار گرفته، اما هرگز به ترور، آدم‌ربایی یا اقدامات تروریستی علیه غیرنظامیان متوسل نشده و حتی با اسیران جنگی طبق معیارهای انسانی و قوانین بین‌المللی رفتار کرده است. تمام این اقدامات

● چرا حزب دمکرات در مقاطع مختلف مبارزات کوردستان، بیشترین فداکاری‌ها و جانفشانی را در کارنامه‌ی سیاسی و مبارزاتی خود داراست؟

در طول هشت دهه مبارزه، حدود صد نفر از اعضای رهبری حزب به شهادت رسیده‌اند و نزدیک به شش هزار شهید از میان صفوف این حزب برای آرمان‌های مردم کوردستان جان خویش را تقدیم نموده‌اند. حزب دمکرات در میدان مبارزه ملی، روح اعتماد به‌نفس، پشتکار و ایستادگی را در میان مردم تقویت کرده و فداکاری و مقاومت را به فرهنگی عمومی در جامعه کوردستان بدل ساخته است. از یک سو استقامت راسخ در ادامه مبارزه و فداکاری عمیق برای تحقق آرمان‌های مردم کوردستان در میان اعضا و تشکیلات

دستاوردهایی بزرگ برای مردم و جنبش آزادیخواهی کوردستان به شمار می‌آیند.

● در ارتباط با سوال قبلی، نقش این دستاوردها را به عنوان مسیری برای مبارزه در سایر بخش‌های کوردستان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همه این واقعیت‌ها گواه آن است که حزب دمکرات همواره «از مردم و برای مردم» بوده است. به همین دلیل، این حزب نه‌تنها در میان اکثریت مردم کوردستان مورد احترام و اعتماد است، بلکه جایگاهی ویژه در نگاه دوستداران کوردستان در سراسر جهان دارد. در آینده ایران، حل مسائل کوردستان بدون حضور و نقش‌آفرینی عمیق حزب دمکرات بسیار دشوار خواهد بود. این حزب، روح زنده و پرطنین فرهنگ ملی و دمکراتیک در جنبش کوردستان است و همین مسئله در راستای منافع بلند مدت کوردستان در خاورمیانه است، چون حزب دمکرات همواره سیاستی مسئولانه در پیش گرفته است و این بابت به نفع حل مسئله کوردستان در سراسر خاورمیانه می‌باشد.

● آقای رشیدی خیلی ممنون از اینکه برای این مصاحبه وقت گذاشتید

خواهش می‌کنم.

اعتراضات گسترده به قطع برق در تهران: فریاد "مرگ بر خامنه‌ای"



با ادامه بحران آب و برق در ایران، ساکنان معترض منطقه‌ای در تهران در تاریکی شب و گرمای تابستان، شعارهایی بر ضد رژیم اسلامی ایران سر دادند.

بر اساس ویدیوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، مردم مناطقی از شهر تهران در اعتراض به ناتوانی رژیم اسلامی در تأمین حداقل نیازهای مردم، از جمله آب و برق شعارهایی علیه رژیم اسلامی و رهبر آن سر دادند.

در ویدیوهای منتشرشده، شهروندان معترض تهرانی در اعتراض به گسترش قطعی آب و برق شعارهایی از قبیل "مرگ بر خامنه‌ای" و "مرگ بر دیکتاتور" سر دادند. این اعتراضات در حالی است که

طی روزهای اخیر در شهرهای مختلف کوردستان و ایران، تجمعات اعتراضی متعددی همزمان با گسترش بحران انرژی آغاز شده است.

از سوی دیگر، نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر امور خارجه آمریکا در پیام‌های جداگانه‌ای با اشاره به گرمای شدید و بحران انرژی

و بی‌آبی، وضعیت کنونی را نتیجه عواقب واقعی طمع، فساد و سوءمدیریت منابع آب و صرف کردن سرمایه‌های ایران برای گروه‌های تروریستی دانستند.

آنان همچنین مردم ایران را شایسته وضعیت بهتری دانسته و خواستار بازگشت مردم جهت اعتراض به خیابان‌ها شدند. اعتراضات گسترده در تهران و دیگر شهرهای کوردستان و ایران بار دیگر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نه تنها در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای مردم ناتوان است، بلکه با فساد و سوءمدیریت سیستماتیک، ایران را به سوی فروپاشی اجتماعی و اقتصادی سوق داده است.



قبل از خداحافظی

سیاست هنر در هنر سیاسی امروز ایران

به کلیشه. اگر اعتراض، فرمول‌مند شود؛ اگر هر فریاد، شبیه فریاد قبلی باشد؛ اگر هنرمند فقط به‌دنبال خشم و همدردی آنی باشد، اثرش در چرخه‌ی مصرفی فرو می‌افتد. این همان چیزی‌ست که قدرت دوست دارد: اعتراض‌های قابل‌پیش‌بینی، قابل‌پخش، و قابل‌هضم. هنر سیاسی، اگر می‌خواهد رادیکال باقی بماند، باید مرز میان درک‌پذیری و دشواری را حفظ کند. باید ریسک کند که فهمیده نشود. یکی از مهم‌ترین میدان‌های هنر سیاسی معاصر در ایران، بدن زن است. چه در عکس‌ها، چه در شعرها، چه در اجراها، بدن زن نه فقط یک سوژه، بلکه یک فضای اشغال‌شده است. در شعرهایی که بر کلمه‌ی «مو»، «لیاس»، «راه رفتن» یا «نگاه» تمرکز می‌کنند، در پرفورمنس‌هایی که با حرکت، سکون، یا حتی پوشش بازی می‌کنند، بدن زن به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که روی آن، نظم رسمی بازنویسی می‌شود — اما این بار، علیه خودش. این‌جا، بدن دیگر ابژه‌ی نگاه نیست؛ خودش نگاه می‌کند. نه‌فقط مقاومت می‌کند، بلکه بازتعریف می‌کند.

در بسیاری از نمونه‌های هنر سیاسی ایران، با نوعی «فقدان بایگانی» مواجهیم. اثری که تنها یک‌بار اجرا می‌شود. تصویری که پیش از آن‌که دیده شود، پاک می‌شود. فیلمی که تنها در حافظه‌ی چند گوشی هوشمند باقی می‌ماند. این بی‌پایداری، در ظاهر یک ضعف است. اما در واقع، یک موضع‌گیری سیاسی‌ست. در جهانی که همه‌چیز در حال ثبت و آرشیو شدن است، هنر سیاسی از ثبت می‌گریزد. نمی‌خواهد جاودانه باشد. می‌خواهد اکنون باشد. فقط اکنون. سیاست‌ورزی در سایه، قدرت فرم در برابر قدرت سرکوب در نهایت، هنر سیاسی امروز ایران، با شکل خاصی از شجاعت سروکار دارد، شجاعتی که نه در فریاد، بلکه در پنهان‌کاری‌ست. نه در شعار، بلکه در سکوت. نه در زیبایی‌های تمام‌عیار، بلکه در زشتی‌های ناقص. این هنر، نه‌تنها علیه قدرت مسلط عمل می‌کند، بلکه از همان ابزار قدرت — زبان، فرم، تصویر، صدا — برای زیر سؤال بردن بنیادهای آن استفاده می‌کند. هنرمند امروز، در ایران، می‌داند که زبان آلوده شده. می‌داند که تصویر تحت کنترل است. پس راه خود را از این مسیرها می‌گشاید: با شکستن جمله، با تیره کردن تصویر، با پاره‌پاره کردن بدن و معنا. و اگر هنوز چیزی هست که بتوان آن را امید نامید، شاید نه در نجات، بلکه در همین شکست هوشمندانه باشد. شکستی که امکان فهمی تازه، مشارکتی تازه، و جهانی دیگر را هرچند برای چند ثانیه ممکن می‌سازد.



یا تلگرام پخش می‌شوند، یا فیلم‌هایی که برای دیده نشدن ساخته می‌شوند. در چنین شرایطی، هنر در مرز فیزیکی شدن و محو شدن حرکت می‌کند. خود بدن هنرمند، خودش را در موقعیتی قرار می‌دهد که امکان حذف فیزیکی دارد. و این‌جا دیگر، هنر فقط یک کنش زیبایی‌شناسانه نیست. تبدیل می‌شود به شکلی از ایستادگی. در فضایی که هر چیز کامل، کامل کنترل می‌شود، هنرمند به‌ناچار به ناتمامی پناه می‌برد. این ناتمامی، نه شکست است، نه ناتوانی. یک استراتژی‌ست. تصویری که فقط بخشی از آن معلوم است، شعری که جمله‌ی آن ناقص است، صدایی که قطع می‌شود، بدن پرفورمر که نمی‌خواهد دیده شود، همه و همه شکل‌هایی از اختلال در گردش رسمی معنا هستند. هنر امروز، اگر بخواهد حقیقتی بگوید، باید آن را به‌شکلی بگوید که نتواند به‌راحتی جذب شود. اما هنر سیاسی، یک خطر بزرگ دارد، بدل شدن

بازتولید می‌کند. شعارهایی که شبیه بیانیه‌های دولتی‌اند، فقط با علامت منفی، بخشی از بازی قدرت‌اند. هنر باید نه در محتوا، بلکه در فرم برهم‌زننده باشد. از همین‌جاست که فرم اهمیت پیدا می‌کند: تکرار، بریده‌گویی، حذف، بی‌معنایی، سکوت، مکث، اغراق یا حتی آشفتگی، وقتی آگاهانه و هدفمند باشند، نه نشانه‌ی ضعف، که نشانه‌ی کنش گری‌اند. چرا؟ چون قدرت، انسجام می‌خواهد. قدرت، ساختار می‌خواهد. و هنر سیاسی، باید این ساختار را بشکند. در ایران، قدرت نه‌فقط در قانون، بلکه در خیابان، در خانواده، در رسانه، در نگاه‌ها و در سکوت‌ها توزیع شده. هیچ صحنه‌ای بی‌خطر نیست. همین است که هنر سیاسی در ایران، به‌سوی فرم‌هایی حرکت کرده که با نامرئی‌اند یا موقتی. نقاشی‌هایی که نیمه‌شب بر دیوار نقش می‌بندند و پیش از طلوع پاک می‌شوند. اجراهایی در مترو یا میدان‌های عمومی، که ناگهان شروع می‌شوند و ناپدید می‌شوند. صداهایی که تنها در واتساپ



در روزگاری که واژه‌ها یا مصادره می‌شوند یا به سخره گرفته می‌شوند، هنر یکی از معدود میدان‌هایی‌ست که هنوز می‌توان در آن حقیقت را زمزمه کرد؛ هرچند به زبانی گنگ یا ممنوع. ایران امروز سرزمینی‌ست آکنده از فریادهای خاموش، تصاویر سانسور شده، و واقعیت‌هایی که یا حذف می‌شوند یا تحریف. در چنین فضایی، هنر — اگر بخواهد اصیل باشد — نمی‌تواند «غیرسیاسی» بماند. اما سیاست‌ورزی در هنر دیگر به معنای شعار دادن یا ساختن تصویرهای کلیشه‌ای از ظلم و مقاومت نیست. امروز، هنر سیاسی نیازمند ظرافت، جسارت، و شناختی دقیق از نظام‌های قدرت است. اگر زمانی سیاست با چگونه انتخاب کردن متحد یا متفق تعریف می‌شد، حالا با دوربین، با فیلتر، با کد، با زبان، با صدا و با حذف صدا کار می‌کند. در این معنا، هر هنری که با زبان رسمی، با ساختار غالب، و با نظم مسلط وارد مجادله شود، ناگزیر سیاسی‌ست، حتی اگر فریاد نزند.

در قلب این مجادله، مسأله‌ی بازنمایی است. چه چیزی دیده می‌شود؟ چه چیزی شنیده می‌شود؟ چه چیزی اجازه دارد وجود داشته باشد؟ نظم قدرت، پیش از آن‌که سرکوب کند، انتخاب می‌کند که چه چیزی را به صحنه بیاورد و چه چیزی را در تاریکی نگاه دارد. هنر سیاسی، هنری‌ست که با این صحنه‌ی دیدن و نادیدن درگیر می‌شود. وقتی دوربین‌ها تنها روی سوژه‌های مطلوب می‌مانند، هنرمند می‌تواند دوربین را بچرخاند. وقتی زبان رسمی سعی می‌کند امر واقعی را در فرمول‌های اخلاقی یا ایدئولوژیک فروبکاهد، شعر یا تصویر یا اجرا، می‌تواند آن را از زیر آوار نجات دهد. اما این کار ساده نیست. هنرمند امروز باید آگاه باشد که هر انتخاب فرمی، یک موضع‌گیری سیاسی‌ست: انتخاب سکوت، حذف، کندی، گنگی، یا حتی زیبایی تصنعی، می‌تواند واجد قدرتی مقاومت‌ورزانه باشد؛ اگر آگاهانه و دقیق استفاده شود.

هنری که در خدمت اعتراض باشد، اما به زبان قدرت سخن بگوید، صرفاً نظم موجود را

بحران بی‌سابقه در منابع آبی کرمانشان؛

هشیلان در آستانه نابودی، نفس‌های آخر سراب نیلوفر

وجود داشته باشد. این مسئول رژیم در ادامه خاطرنشان کرد که "سراب یآوری"، یکی دیگر از منابع آبی مهم کرمانشان، پیش‌تر به‌طور کامل خشک شده است فعالان محیط‌زیست بارها هشدار داده‌اند که بی‌توجهی به مدیریت پایدار منابع آبی، حفر بی‌رویه چاه‌ها و فقدان برنامه‌ریزی در برابر تغییرات اقلیمی، کوردستان را با بحران جبران‌ناپذیر نابودی تالاب‌ها و سراب‌های تاریخی روبه‌رو خواهد کرد.

و واکنش دیر هنگام نهادهای مسئول رژیم در برابر بحران‌های زیست‌محیطی است. وی همچنین درباره سراب نیلوفر گفت: اکنون تنها یک سوم وسعت سراب نیلوفر آب دارد و این منبع طبیعی نیز اکنون خروجی ندارد و خطر خشک‌شدن آن جدی است. به گفته او، سراب نیلوفر اگر تا اوایل شهریور خشک نشود و با کاهش مصرف کشاورزی و افت برداشت از منابع زیرزمینی پس از پایان فصل آبیاری، شاید امکان بازگشت آب به این سراب

می‌شد، اما گرمای شدید چند روز اخیر باعث شده این دبی به صفر برسد و تالاب تنها با چند چاله آب محدود زنده بماند. وی هشدار داد که اگر روند کنونی ادامه یابد، حیات این تالاب که زیستگاه گونه‌های ارزشمند گیاهی و جانوری است، تا ۲۰ روز آینده به‌طور کامل از بین خواهد رفت.

فلاحی افزود: آبرسانی سیار با تانکر در دستور کار قرار گرفته اما همچنان در مرحله مکاتبات اداری است؛ وضعیتی که نشان‌دهنده بی‌برنامگی

در پی گرمای بی‌سابقه و کاهش شدید منابع آبی، تالاب "هشیلان" در آستانه خشک‌شدن کامل قرار گرفته و احتمال نابودی آن طی ۲۰ روز آینده جدی است و از سوی دیگر "سراب نیلوفر" نیز با کاهش شدید سطح آب روبه‌رو شده و اکنون تنها یک‌سوم مساحت آن آب دارد. محمدحسین فلاحی، رئیس اداره محیط زیست شهرستان کرمانشان، با اعلام این خبر گفت: تا یک ماه پیش، تالاب هشیلان با دبی حدود ۲۰۰ لیتر در ثانیه از "سراب سبزعلی" تغذیه